

سیاستگذاری فرهنگی مطلوب مسجد از دیدگاه مقام معظم رهبری در جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: میثم فرخی^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۲/۱۸

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۹۳

چکیده

مقاله پیش رو در پاسخ به این سؤال که سیاستگذاری فرهنگی مطلوب مسجد از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست، نگاشته شده است. در این راستا، تلاش شده با شیوه طبقه‌بندی، دیدگاه‌های ایشان در حیطه مسجد با سه رویکرد توصیفی، تطبیقی و تجویزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. یافته‌های پژوهش، حاکی از این است که مبتنی بر رویکرد توصیفی، مقام معظم رهبری ضمن انتقاد از وضعیت مساجد در کشور، خواستار بازگشت این سنگرهای الهی به مساجد صدر اسلام می‌باشند. «محوریت مسجد در سیره نبوی»، «چندمنظوره بودن مسجد در عصر پیامبر (ص)» دیگر محورهای موضوعی در این رویکرد است. ایشان در تبیین رویکرد تطبیقی، به مقایسه مسجد و کلیسا به‌مثابه نهادهای مهم دینی در اسلام و مسیحیت پرداخته و در نهایت، بر اساس رویکرد تجویزی، مسئولان و دست‌اندرکاران و روحانیون مساجد را در راستای حصول به مساجد ایده‌آل و مطلوب مخاطب قرار می‌دهند تا آنها محورهایی شامل «حفظ و رونق مساجد»، «حضور و مشارکت فعال در مسجد» و «اداره امور مسلمانان ذیل مسجد» را در جمهوری اسلامی ایران تحقق بخشند.

واژگان کلیدی:

سیاستگذاری عمومی، سیاستگذاری فرهنگی، مسجد، مقام معظم رهبری



۱. مقدمه

مسجد، از زمان ظهور اسلام به عنوان نماد این شریعت آسمانی مطرح شده است. علت نامگذاری آن، بدین جهت بوده که «در فرهنگ دینی نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد یعنی جایگاه سجده و سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست. در حقیقت، برترین و اصیل‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال مسجد است.» (ضرابی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۰) این نهاد فرهنگی و ارتباطی از فعال‌ترین نهادهای دینی در اسلام محسوب می‌شده که «به‌عنوان مهم‌ترین کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به عنوان منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل نموده و نه تنها در بعد تزکیه معنوی، بلکه به عنوان منبع دانش و اطلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را تغذیه می‌کند است.» (Mowlana, 1996, p 148)

از طرف دیگر، یکی از واقعیت‌هایی که فرهنگ و نهادهای فرهنگی (مانند مساجد) را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، قدرت سیاسی یا حکومت است؛ هرچند عوامل دیگری همچون رفاه مادی، عدالت اجتماعی، دین و مذهب، شرایط تاریخی و... در رشد و تعالی هر جامعه یا رکود و واپسماندگی آن نقش دارند. به عبارت دیگر «امروزه گذشته از حرکت طبیعی و خودجوش موجود در حیات فرهنگی، بخش وسیعی از تلاش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های حکومت و بازوی اجرایی آن «دولت» صورت می‌گیرد» (وحید، ۱۳۸۲، ص ۱۵۲). «دولت‌ها هم به‌لحاظ تبلیغ آرمان‌ها و هدف‌های ایدئولوژی رسمی و هم به‌لحاظ ضرورت دست‌یافتن به هدف‌ها و مقاصد سیاسی خویش و هم بنا به کارکردهای جدیدی که پیدا کرده‌اند و انتظاراتی که در دوران حاضر به وجود آورده‌اند، برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی بر عهده می‌گیرند و در این جهت، نقش و مسئولیتی آگاهانه می‌پذیرند و در مجموع، تأثیر چشمگیر ایجاد می‌کنند» (همایون و فروزان، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

در این راستا - در حوزه مسجد به صورت عام - تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که عمده پژوهش‌ها به موضوعاتی از جمله معماری، تعمیر و مرمت مساجد، مسجد در نگاه آیات و روایات، جاذبه‌های مسجد، مسجد و جذب جوانان و نوجوانان، کارکردهای مسجد و تاریخ بناهای مساجد پرداخته‌اند اما در موضوع پژوهش مذکور، با توجه به بررسی‌های صورت گرفته توسط محقق - با وجود تعدد تحقیقات در حوزه مسجد - پیشینه جدی در حیطه سیاستگذاری فرهنگی مسجد یا رابطه حکومت و مسجد مشاهده نشد. حتی می‌توان عنوان نمود که درباره سیاستگذاری فرهنگی سایر پایگاه‌ها و مجراهای ارتباطات سنتی (نظیر هیئات، حسینیه‌ها، تکایا، نماز جمعه و...) نیز - به‌رغم پیگیری و بررسی پژوهشگر - سابقه و پیشینه قابل توجهی حاصل نشد اما با وجود این، برخی پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش مذکور ارائه شده‌اند.



فروزان و همایون (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «وحدت مدیریت در حوزه فرهنگ؛ مطالعه موردی شورای عالی انقلاب فرهنگی» پس از بررسی مفهوم فرهنگ و وحدت مدیریت و مروری اجمالی بر نظام فرهنگی ایران و برخی کشورها، به معرفی شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان عالی‌ترین مرجع سیاستگذاری فرهنگی و قرارگاه اصلی فرماندهی فرهنگی کشور پرداخته‌اند و با انجام مصاحبه‌های عمیق و کیفی از نخبگان مدیریت فرهنگی کشور، آسیب‌های ناشی از عدم وحدت در حوزه فرهنگ از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی و الزامات رسیدن به این وحدت مدیریت را احصا نموده‌اند که طی پرسشنامه‌ای آسیب‌های عدم وحدت مدیریت و الزامات رسیدن به آن را همراه با طرح پیشنهادی به منظور رسیدن به وحدت مدیریت در حوزه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی، به نقد و نظر صاحب‌نظران گذاشته‌اند.

احمدی گرجی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «تعیین چگونگی بررسی و آسیب‌شناسی دستگاه‌های فرهنگی» که برای شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام داده است، سازمان‌های فرهنگی را به لحاظ «مخاطبان عام و خاص آنها» در دو دسته قرار می‌دهد و با افزودن سازمان‌هایی که بدون مأموریت فرهنگی به امور فرهنگی اشتغال دارند، در نهایت دسته‌بندی سه‌گانه‌ای را ارائه می‌دهد.

صالحی امیری (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی با عنوان «مبانی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی» که پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام منتشر نموده با لحاظ فرایند سیاستگذاری، سازمان‌ها را متناسب با سه مرحله اصلی از این فرایند یعنی سیاستگذاری، اجرا و نظارت در سه دسته سازمان‌های سیاستگذار، سازمان‌های مجری و سازمان‌های ناظر قرار می‌دهد.

با توجه به مطالب فوق، در این مقاله محقق در پاسخ به این سؤال که سیاستگذاری فرهنگی مطلوب مسجد از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست، تلاش نموده با توجه به رویکرد سیاستگذاری فرهنگی، دیدگاه‌های ایشان را نسبت به جایگاه و نقش حکومت در حوزه مسجد مورد بررسی قرار دهد. در این راستا، آثار مکتوب ایشان مرتبط با حوزه مسجد (شامل پیام‌ها، نامه‌ها، بیانات و سخنرانی‌ها) در سه رویکرد توصیفی، تطبیقی و تجویزی مورد تحلیل قرار گرفته است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. سیاستگذاری عمومی^۱

تعاریف متعددی از سیاستگذاری عمومی ارائه شده است. پیر مولر^۲ آن را دولت در عمل تعریف می‌کند (مولر، ۱۳۷۸، ص ۱۳) بر اساس تعریف «فیلیپ برود» استاد علوم سیاسی دانشگاه



سوربن «سیاستگذاری‌های عمومی، تجلی اراده حکومت در عمل (یا خودداری از عمل) است و آنها را می‌توان به عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمال در نظر گرفت که قابل نسبت به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند» (Braud, 1998 به نقل از وحید، ۱۳۸۰، ص ۱۸۶). یا از منظر الوانی، «سیاست عمومی نیز عبارت است از تصمیمات و سیاست‌هایی که به واسطه مراجع مختلف بخش عمومی از قبیل مجلس، دولت و قوه قضاییه که حافظان منافع عمومی در جامعه می‌باشند، اتخاذ می‌گردد. دولت در مفهوم کلی آن، نهاد قانونی برای خط‌مشی‌گذاری عمومی است و به صور مختلف مانند وضع قوانین، ضابطه‌ها و مقررات به تعیین خط‌مشی عمومی می‌پردازد» (الوانی و شریف زاده، ۱۳۸۸، ص ۳). آنچه به عنوان برابند تعاریف مطروحه، تلقی می‌شود اینکه سیاستگذاری یا به عبارتی دقیق‌تر سیاستگذاری عمومی، مجموعه‌ای از کنش‌ها و فعالیت‌های دولت در پاسخ به مسائل اجتماعی است. مسائل اجتماعی نیز در این تعریف، دایره‌ای از موقعیت‌های عمومی هستند که در وضعیت موجود، قابل قبول نبوده و برای حل شدن نیازمند مداخله می‌باشند. مواردی همچون تخریب محیط‌زیست، امنیت محیط کار، دستیابی به بهداشت و خدمات بهداشتی، حفظ حقوق شهروندان، تأمین امنیت عمومی و مواردی از این دست در این دایره جای می‌گیرند. اصطلاح سیاستگذاری عمومی در مقابل سیاست‌های شخصی و غیرعمومی قرار می‌گیرد که به فعالیت‌های افراد یا گروه‌ها در راستای مسائل شخصی باز می‌گردد (ملک محمدی، ۱۳۸۵، صص ۱۷۷-۱۷۶).

۲.۲. سیاستگذاری فرهنگی^۱

از آنجا که هیچ وفاقی درباره مفهوم بی‌حدوحصر «فرهنگ» وجود ندارد؛ تعریف دقیق سیاستگذاری فرهنگی نمی‌تواند بدون توجه به تعریف فرهنگ صورت گیرد؛ پس سیاستگذاری فرهنگی با تعریف فرهنگ و شناسایی حدود و ثغور آن شکل می‌گیرد؛ به طوری که با تعریف فرهنگ، دامنه و گستردگی سیاست‌ها مشخص می‌شود. در این زمینه؛ اشتریان معتقد است که «تعریف ما از فرهنگ - هر چه باشد - تأثیری در فرایند سیاستگذاری ندارد؛ اما آنجا که باید دامنه سیاست‌ها و حوزه عمل دولت و نهادهای عمومی مشخص شود، قطعاً مشخص شدن تعریف سیاستگذاران از فرهنگ ضرورت می‌یابد. این تعریف از سویی اهداف و مقاصد فرهنگی و از سوی دیگر حوزه عمل، ویژگی‌های مدیران و مدیریت فرهنگی و حتی برنامه‌ریزی‌ها را جهت می‌دهد» (اشتریان، ۱۳۹۱، صص ۲۹-۳۰).

در مجموع، می‌توان گفت سیاستگذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی استیلا دارد. به این

1. Cultural Policy
2. Culture



اعتبار، منظومه‌ای سامان‌یافته از اهداف نهایی درازمدت و میان‌مدت قابل سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، سیاستگذاری فرهنگی، نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی است و راهنما و دستورالعمل برای مدیران فرهنگی خواهد بود (وحید، ۱۳۸۲، ص ۵۵؛ اصول سیاست فرهنگی ج.۱، ۱۳۷۱، ص ۲).

۳،۲. رویکردها و سطوح دخالت دولت در حوزه فرهنگ

۱،۳،۲. رویکردهای مرتبط با دخالت دولت در حوزه فرهنگ

رویکرد^۱ دولت‌ها به سیاستگذاری و دخالت در عرصه فرهنگ با یکدیگر متفاوت می‌باشد و حتی ممکن است یک دولت در آن واحد رویکردهای مختلفی نسبت به امور مختلف فرهنگی اتخاذ نماید. در ادامه، برخی رویکردهای دخالت دولت در حوزه فرهنگ مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱،۱،۳،۲. رویکرد خادمانه^۲

در این رویکرد و طرز تلقی، همان‌طور که از نام آن پیداست، دولت خادم فرهنگ است. به تعبیری دیگر، می‌توان از آن تحت عنوان رویکرد وفادارانه نیز نام برد؛ زیرا در چنین برداشتی، دولت وظیفه دارد در راستای اجرای کامل اهداف فرهنگی مطابق جزئیاتی که تعیین شده است، بکوشد. در این رویکرد، حکومت در کلیه امور فرهنگی وارد می‌شود و نقش تأمین مالی و تصدی‌گری را در حد امکان و وسع خود بر عهده می‌گیرد.

به بیان دیگر، این دیدگاه قائل به تصدی تمام عیار دولت نسبت به فرهنگ دینی است. بر اساس این رویکرد، دولت باید با اقتدار خود بتواند نسبت به مسائل دینی تصمیم‌گیری و خود در تولیدات فرهنگ دینی نقش ممتاز و اصلی را ایفا نماید. این نگاه، ریشه در اندیشه‌ها و تفکرات مارکسیستی دارد که قائل به نظریه دولت‌های تمامیت‌خواه^۳ می‌باشد (پیروزمند، ۱۳۸۹، ص ۷۷-۷۵)

۲،۱،۳،۲. رویکرد بازدارنده^۴

در این رویکرد، وضعیتی را می‌توان متصور شد که ماهیت و عملکرد دولت و حکومت در ارتباط با فرهنگ منجر به کندی یا توقف این‌گونه امور در سطح جامعه می‌شود. اگرچه این

۱. منظور از رویکرد دولت، شیوه پرداختن به مسئله یا مورد توجه قرار دادن اقدامی است. رویکرد دولت در حوزه فرهنگ به معنای شیوه‌ای است که دولت به مسئله فرهنگ می‌پردازد یا در امر فرهنگ ظهور و بروز می‌نماید.

2. Fidelity Approach

3. totalitarian state

4. Preventative Approach



طرز تلقی عمدتاً در نظام‌های لائیک که از نوعی رویکرد مبتنی بر تعارض^۱ در امور فرهنگی پیروی می‌کنند، مشاهده می‌شود اما در مقام عمل در یک دولت فرهنگی نیز می‌توان وضعیتی را متصور شد که در آن، مجموعه سیاستگذاری و اقدامات در بخش حاکمیتی و تصدی‌گری، منجر به افول فرهنگی در سطح جامعه، تضعیف نهادهای فرهنگی و عقیم ماندن اقدامات خودجوش مردمی در این زمینه‌ها می‌گردد (حسینی، ۱۳۸۴، صص ۷۰-۷۳).

۳،۱،۳،۲. رویکرد اقتضایی^۲

در این رویکرد، میزان دخالت و ورود دولت در امور فرهنگی بستگی به شرایط دارد. در چنین رویکردی ایده اصلی آن است که نمی‌توان و نباید دخالت حکومت و دولت را در تمام امور فرهنگی متصور شد؛ زیرا نه ضرورت این کار وجود دارد و نه امکان آن. دخالت تمام عیار دولت در امور فرهنگی -بدان‌سان که در رویکرد خادمانه اشاره شد- در برخی شرایط ضرورت ندارد و در پاره‌ای دیگر از موارد، مضرات آن بیش از فواید آن است؛ بنابراین باید از نگرش سیاه و سفید نسبت به موضوع اجتناب کرد و در عوض به صورت اقتضایی با آن برخورد نمود. در رویکرد اقتضایی یا موقعیتی اگرچه هنوز دولت در خدمت فرهنگ است، تنها در اموری دخالت می‌کند که به دلایل متعدد بلا تصدی مانده است (مختاریان پور، ۱۳۹۱، صص ۱۱۱-۱۱۲).

۴،۱،۳،۲. رویکرد نظارتی^۳

در این رویکرد باید نقش دولت در حد ناظر سیاستگذار تقلیل یابد؛ چرا که در غیر این صورت دولت مخل آزادی‌های فردی مردم بوده و خود نیز قدرت و توان اداره کشور و از جمله حوزه (دین) فرهنگ دینی را نخواهد داشت. اگر دولت بخواهد به عنوان یک گروه در مقابل سایر گروه‌ها خود بازیگر صحنه‌های تولیدات فرهنگ دینی باشد، طبیعتاً علاوه بر اینکه به وظیفه سیاستگذاری به‌خوبی نخواهد پرداخت، به دلیل اتکا به قدرت‌های مالی و انسانی غیرقابل رقابت، توان عرض اندام بخش خصوصی را سلب می‌نماید. (محمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۳ و صدیقی سروستانی و زائری، ۱۳۸۸، صص ۴۸-۴۷)

۵،۱،۳،۲. رویکرد حمایتی^۴

پنجمین رویکرد در ارتباط با حدود دخالت دولت در امور فرهنگی، رویکرد حمایتی است که در آن دولت تنها وظیفه پشتیبانی و حمایت از امور فرهنگی را بر عهده می‌گیرد؛ بنابراین دخالت در این امور، به معنای انجام و مدیریت فعالیت‌های آن در این رویکرد کاملاً منتفی

1. Confictual Approach
2. Situational Approach
3. Supervisory Approach
4. Supportive Approach



است. در این رویکرد، ایده اصلی آن است که نهادهای فرهنگی دارای هویت دینی مستقل^۱ هستند و اقدامات دولت نباید به گونه‌ای باشد که این هویت خدشه‌دار شود و به این دلیل، ضروری است تا ساختار وظایف و مسئولیت‌های دولت در ارتباط با این امور کاملاً تعریف شده و با رعایت تمام حساسیت‌ها و مرزهای منطقی باشد (مختاریان پور، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲).

۶،۱،۳،۲. رویکرد ضمانتی^۲

نهادهای دولتی از جمله نهادهای قانونگذاری و قضایی، دارای نقش بسزایی در ایفای نقش ضمانت از فرهنگ هستند. قدرتی که حاکمیت دولت بر جامعه و فرهنگ اعمال می‌کند، می‌تواند باعث پیشرفت یا در مقابل، پسرفت جامعه گردد که بسته به نوع حکومت‌ها و آمل و اهداف آنان متفاوت است. نقش ضمانتی دولت را از چند بعد می‌توان نگرینست:

در یک بعد، بر اساس حقوقی که برای هر فرد انسانی تعیین شده، دولت می‌تواند زمینه‌های بهره‌مندی از این حق را برای بهره‌بران از فرهنگ تضمین کند. همچنین با توجه به قدرت قانونگذاری دولت، این وظیفه را می‌توان برای دولت متصور بود که دولت باید قوانینی را برای حفظ و صیانت از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های هنری و فرهنگی و به عبارتی، حقوق معنوی آثار و نیز مبدعان و آفرینندگان آن آثار وضع کند و از همه مهم‌تر قوانینی وضع کند که آزادی‌های فردی این افراد در آفرینش و ابداع تضمین شود. از سوی دیگر، دولت با وضع قانون و نظارت بر اجرای آن به حفظ آثار گذشتگان و میراث کهن، می‌تواند به حفظ و تداوم فرهنگ کمک کند (غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۶، ص ۳۵۶-۳۵۵).

۷،۱،۳،۲. رویکرد خنثی^۳

این رویکرد، وظیفه و تکلیف ویژه‌ای را برای دولت در زمینه این‌گونه امور متصور نمی‌شود و ایفاگر نقش اصلی در توسعه فرهنگی نهادهای فرهنگی مستقل مردمی می‌باشند. در این رویکرد، حتی نقش نظارتی و سیاستگذاری دولت در امور فرهنگی بسیار کم‌رنگ و عمدتاً عقیم می‌شود. در بهترین حالت در رویکرد حاضر، حمایت و پشتیبانی دولت از امور و نهادهای دینی به اندازه حمایت و پشتیبانی‌ای است که از سایر نهادهای مدنی و اجتماعی به عمل می‌آورد. در مقام عمل و نه الزاماً در منظر گفتار و نوشتار دولت در این رویکرد نسبت به امور فرهنگی کاملاً خنثی و عقیم است. از این رویکرد تحت عنوان دخالت حداقلی در امور فرهنگی نیز نام برده می‌شود. در اینجا باور بر این است که استقلال نهاد دولت از نهاد فرهنگی که الزاماً به معنای سکولاریسم مطلق نیست، به رونق و ترویج دینداری در جامعه منجر می‌شود (مختاریان پور، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳).

1. Independent Religious Identity
2. Guarantee Approach
3. Null Approach



جدول ۱- رویکردهای مرتبط با دخالت دولت در حوزه فرهنگ

| | | |
|---|---|------------------|
| دخالت حداکثری دولت در امور فرهنگی | دولت خادم فرهنگ | رویکرد خادمانه |
| عدم دخالت دولت در فرهنگ | استقلال و مجزا بودن نهاد فرهنگ از مجموعه حاکمیت | رویکرد بازدارنده |
| دخالت دولت در حوزه فرهنگ بر اساس شرایط و اقتضانات | دولت خادم فرهنگ اما بر اساس شرایط و اقتضانات خاص | رویکرد اقتضایی |
| دولت به‌مثابه ناظر در امر فرهنگ | دولت ناظر بر حسن اجرای سیاست فرهنگی و سیاستگذاری فرهنگی | رویکرد نظارتی |
| دولت به‌مثابه حامی و پشتیبان امور فرهنگی | پشتیبانی و حمایت دولت از امور فرهنگی | رویکرد حمایتی |
| دولت به‌مثابه حافظ و ضامن سیاست‌های فرهنگی | حفظ و ضمانت دولت از حق بهره‌مندی از فرهنگ و نیز صیانت از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های هنری | رویکرد ضمانتی |
| دخالت حداقلی دولت در امور فرهنگی | استقلال نهاد دولت از حوزه فرهنگ و نیز نقش اصلی و پررنگ نهادهای فرهنگی مستقل مردمی در توسعه فرهنگی | رویکرد خنثی |

۲،۳،۲. سطوح دخالت دولت در حوزه فرهنگ

سطوح^۱ ورود و دخالت دولت در حوزه فرهنگی را می‌توان در قالب سه دسته طبقه‌بندی نمود:

۲،۳،۲،۱. سطح سیاستگذاری^۲

در این سطح دولت در فرایند سازماندهی بخش‌های مختلف مرتبط با امور فرهنگی جامعه نسبت به اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های معین اقدام می‌نماید. در این سطح، نقش دولت ناظر و سیاستگذار در عرصه‌های فرهنگی است، بدون آنکه حمایت یا اقدام معینی را در این زمینه دنبال کند. در نتیجه، به میزانی از منابع اقتصادی نیاز است که تأمین‌کننده ارائه این گونه خدمات باشد.

۲،۳،۲،۲. سطح بسترسازی، پشتیبانی و برنامه‌ریزی^۳

در سطح دوم دولت علاوه بر سیاستگذاری، نسبت به برنامه‌ریزی و ارائه انواع پشتیبانی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اقدام می‌کند. بسترسازی و برنامه‌ریزی دولت بیشتر معطوف به ارائه

۱. منظور از سطوح دولت، عرصه فعالیت دولت در حوزه‌های مختلف است. سطوح دولت در حوزه فرهنگ به معنای مرتبه و جایگاهی است که دولت در امر فرهنگ به تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌پردازد.

2. Policy Making
3. Planing



حمایت‌های مختلف مادی و غیر آن در ارتباط با منابع مورد نیاز (انسانی، مالی و کالبدی) یا پشتیبانی نرم‌افزاری (نظیر فراهم‌سازی طرح‌ها، برنامه‌ها و خدمات علمی-پژوهشی) است. به عبارت روشن‌تر، دولت از همه منابع و امکانات خود در راستای حمایت و اعتلای فرهنگ بهره می‌گیرد و نقش سرپرست را ایفا می‌کند اما مانع از آن نیست که بخش خصوصی نیز بخشی از امکانات و منابع مالی خود را به این‌گونه امور اختصاص دهد.

۳،۲،۳،۲. سطح اجرا^۱

در سطح سوم دولت در امور فرهنگی وارد می‌شود و تصدیگری فعالیت‌ها را بر عهده می‌گیرد. در چنین حالتی دولت به عنوان سیاستگذار/ برنامه‌ریز/ مجری از طریق تأسیس و راه‌اندازی نهادهای فرهنگی ویژه و اعمال نوعی تمرکز در فعالیت‌ها خود شخصاً متولی امور می‌شود (حسینی، ۱۳۸۴، صص ۷۴-۷۳).

جدول زیر تناسب و ارتباط رویکردهای مختلف دولت فرهنگی را در ارتباط با میزان و سطح دخالت دولت در امور فرهنگی نشان می‌دهد.

جدول ۲- سطوح دخالت دولت در حوزه فرهنگ

| سطوح دخالت / رویکردها | سطح سیاستگذاری | سطح بسترسازی، پشتیبانی و برنامه‌ریزی | سطح اجرا |
|-----------------------|----------------|--------------------------------------|----------|
| رویکرد خادمانه | * | * | * |
| رویکرد بازدارنده | - | - | - |
| رویکرد اقتضایی | * | * | * |
| رویکرد نظارتی | * | * | * |
| رویکرد حمایتی | * | * | * |
| رویکرد ضمانتی | * | * | * |
| رویکرد خنثی | - | - | - |

(با اقتباس از حسینی، ۱۳۸۴، صص ۷۴)

۳. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

در این بخش تلاش شده است تا دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره مسجد مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در همین راستا برای مطالعه و بررسی آثار مکتوب و بیانات مقام معظم رهبری



از نرم‌افزار «حدیث ولایت» کاری از «مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی» و همچنین پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (www.khamenei.ir) استفاده شده است که در این زمینه نیز قسمت‌های مرتبط با حوزه مسجد از پیام‌ها، نامه‌ها، بیانات، سخنرانی‌های مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳ جستجو شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

برای تحلیل دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، روش طبقه‌بندی^۱ (سطح عملیاتی) به کار گرفته شده است. بر اساس دیدگاه بیلی^۲ به طور کلی، در روش طبقه‌بندی، سه سطح تحلیلی برای هر موضوع می‌توان در نظر گرفت:

- ۱- سطح مفهومی^۳ که عناصر طبقه‌بندی، مفهومی است.
 - ۲- سطح تجربی^۴ که عناصر طبقه‌بندی، تنها موضوعات و موارد تجربی و ملموس است.
 - ۳- سطح عملیاتی^۵ (مفهومی/تجربی) که ترکیبی از عناصر مفهومی و تجربی را در ذیل طبقه‌بندی خود، خواهد داشت. در این سطح، ابتدا طبقه‌بندی مفهومی انجام می‌شود و سپس مثال‌های تجربی همه یا برخی موارد شناخته می‌شود (Bailey, 1994, pp 2-15).
- بر این اساس، می‌توان بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با مسجد را در سه رویکرد عمده مد نظر قرار داد:

- رویکرد توصیفی
- رویکرد تطبیقی
- رویکرد تجویزی

۱،۳. رویکرد توصیفی

آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس این رویکرد، تصویر دقیقی را از وضعیت مساجد در عصر پیامبر اکرم (ص) ارائه می‌نماید. ایشان با تأسی به سیره نبوی (ص) وضعیت موجود مساجد در برهه انقلاب اسلامی را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد. آیت‌الله خامنه‌ای نه تنها بر محوریت مساجد در انقلاب اسلامی ایران تأکید می‌کند بلکه شروع انقلاب و حرکات دینی در کشورهای اسلامی را با مرکزیت مساجد می‌داند. اهم محورهای موضوعی مسجد در این رویکرد (توصیفی) را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

1. classification
- 2 Bailey
3. Conceptual level
4. Empirical level
5. Operational level

۱،۱،۳. محوریت مسجد در سیره نبوی

آیت‌الله خامنه‌ای تأسیس مسجد در عصر پیامبر اکرم (ص) را در شمار زیباترین و پرمغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه اسلامی قلمداد می‌کند و آن را محور و مرکز تجمع مسلمانان می‌داند. وی در این زمینه بیان می‌کند:

«...در صدر اسلام، هم در زمان نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) و همچنین در زمان حکومت بابرکت امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) مسجد، مرکز همه تصمیم‌گیری‌های مهم و کارهای بزرگ بود. نمی‌خواهیم از لحاظ وضع زمان، مسجد امروز را به مسجد کوفه زمان امیرالمؤمنین تشبیه کنیم؛ زیرا اقتضاهای هر زمان متفاوت است. به طور کلی مسجد به عنوان یک پایگاه دین، پایگاه عبودیت، پایگاه معرفت می‌تواند برای جوامع اسلامی منشأ و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹).

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، این مرکزیت و محوریت تنها به جامعه زمان پیامبر اکرم (ص) محدود نمی‌شود، بلکه در انقلاب اسلامی ایران نیز محور و مرکز فعالیت‌های مردم همین مساجد بودند:

«...انقلاب از خانه مذهب، یعنی مسجد و مدرسه دینی آغاز شد و جهت‌گیری مذهبی در انقلاب روزبه‌روز افزایش پیدا کرد و نقش مذهب و ارزش‌های معنوی، آنقدر قوی شد که کسانی را به میدان انقلاب کشاند که معمولاً در هیچ انقلابی، این‌گونه آدم‌ها به میدان نمی‌آیند...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰) در بخشی دیگر از بیانات خود اشاره می‌کند: «... در همه مراحل این تاریخ پر افتخار، مساجد همیشه پایگاه دینداری و حرکت مردم در جهت دین بوده است. شما خودتان یادتان است، که انقلاب از مساجد شروع شد؛ امروز هم در هنگامی که حرکت و بسیج مردم مطرح می‌شود، چه سیاسی و چه نظامی، باز مساجد کانونند؛ این برکت مساجد است...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴).

آیت‌الله خامنه‌ای، نه تنها بر محوریت مساجد در انقلاب اسلامی ایران تأکید می‌کند بلکه شروع انقلاب و حرکات دینی در کشورهای اسلامی را با مرکزیت مساجد می‌داند. در اندیشه وی یکی از علل پیروزی یا شکست در انقلاب‌های اسلامی، محوریت مساجد است:

«...مسجد نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت‌های بزرگ و حرکات اسلامی بزرگی شده است. مثلاً در همین کشورهای آفریقا قیام این مردم از مساجد شروع شد، که به پیروزی هم رسید و کشورها استقلال پیدا کردند. آن روزی هم انقلاب در این کشورها رو به شکست رفت و استقلال خودشان را دوباره ملت‌ها از دست دادند که رابطه خودشان را با مساجد و با دین و ایمان مساجد قطع کردند...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹).



۲،۱،۳. چند منظوره (چند کار کردی) بودن مسجد در عصر پیامبر (ص) آیت الله خامنه‌ای نیز مانند امام خمینی (ره) مساجد زمان صدر اسلام را چند منظوره یا چند کار کردی معرفی می‌کند؛ بدین گونه که مساجد کارکردهای مختلف از جمله کارکرد فرهنگی، ارتباطی، سیاسی، نظامی، قضایی، اجتماعی و... را در جامعه دینی زمان پیامبر اکرم (ص) ایفا می‌نمودند:

«... در چنین جامعه‌ای (جامعه رسول اکرم) که همه چیز از خداست، نماز جماعت و خطبه پس از نماز با سرود میدان یکی است. در همان مسجدی که پیغمبر خدا در آنجا می‌ایستاد و نماز جماعت اقامه می‌کرد و برای مردم منبر می‌رفت و صحبت می‌کرد و درس می‌داد و تزکیه و تعلیم می‌کرد... در همین مسجد بود که پیغمبر خدا حکم حد جاری می‌کرد، در همین مسجد بود که دادگستری پیغمبر تشکیل می‌شد؛ در همین مسجد زکات جمع و پخش می‌شد. هم درس بود، هم نماز و نیایش بود، هم سرود میدان جنگی بود، هم مال و هم اقتصاد بود. خلاصه امر دنیا و آخرت یکپارچه زیر رهبری پیغمبر در خانه خدا انجام می‌شد...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۵۳).

در جای دیگر ایشان اشاره می‌کند: «پدید آوردن هویتی به نام مسجد، نخست در قبا و سپس در مدینه، در شمار زیباترین و پرمغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه اسلامی است: خانه خدا و خانه مردم، خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان دیگر را نمایان می‌سازد. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم، در هم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می‌کند. مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه مکتب اسلام است...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۰).

۲،۲،۳. رویکرد تطبیقی

آیت الله خامنه‌ای نیز مانند امام خمینی (ره) رویکرد مقایسه‌ای و تطبیقی را بین مسجد و کلیسا به مثابه نهادهای مهم دینی در اسلام و مسیحیت در نظر می‌گیرد. ایشان تفاوت و تمایز میان مسجد و کلیسا را بر اساس امام جماعت مسجد و کشیش کلیسا تحلیل می‌نماید. از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای کشیش مسیحی، فردی وابسته به مراکز قدرت دولتی یا سلطنتی است که توسط آنها نیز عزل و نصب می‌شود اما روحانیت و امام جماعت مسجد بدین گونه نیستند؛ بلکه آنها متصل به مردم، برای مردم و در خدمت مردم هستند:



«... مجامع روحانی، چه مسلمان، چه مسیحی، چه یهودی در غیر شیعه، مجامعی هستند که با مردم سر و کار دارند - یعنی مردم به کلیساها هم می‌روند - اما روحانی در آنجا، با پیشنهاد مسجد ما در اینجا، از زمین تا آسمان تفاوت دارد. او یک فردی است وابسته به یک تشکیلاتی که از ملحقیات دولت و سلطه حاکم بر آن کشور است یا سلطه‌ای شبیه سلطه روحانیت مثل مسیحی‌ها، که مثلاً کاتولیک‌های‌شان به یک جای دیگر وابسته‌اند، پروتستان‌ها به یک جای دیگر وابسته‌اند و فرقه‌های مختلفشان هر کدام به مراکز قدرت وابسته‌اند و نصب و عزل می‌شوند اما روحانیت شیعه این‌طور نیست؛ روحانی شیعه فقط متصل به مردم و برای مردم و در شئون روحانی، در خدمت مردم است...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۱۷).

در همین راستا آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به اتصال روحانیت شیعی به مردم، نظام ارتزاق و تغذیه مالی روحانیون را خود مردم می‌داند و با دولتی شدن مکانیسم معیشت روحانیت مخالف است:

«... تغذیه مالی روحانیون هم از مردم است. بارها بعضی از آقایان معتبر و معروف قم به بنده گفته‌اند که شما بیایید از منابع دولتی برای حوزه‌ها یک بخشی را به عنوان شهریه جدا کنید؛ بنده سال‌هاست با این قضیه مخالفت کرده‌ام و گفته‌ام نمی‌کنم. خود من هم که شهریه می‌دهم، از وجوهات می‌دهم. این خیلی مهم است: پشتیبان ما مردمند... این، پدیده خیلی بزرگ و مهمی است و باید مهم شمرد. ارتباط با مردم هم یک ارتباط دوجانبه و تنگاتنگ است. مردم به روحانی می‌رسند، روحانی به مردم می‌رسد...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۱۷).

آیت‌الله خامنه‌ای همچنین معتقد است که مسیحیت تلاش می‌کند تا جوانان را از هر طریقی - ولو با ایجاد سالن رقص در کنار کلیسا - به کلیساها جذب نماید اما مساجد از این حیث متفاوتند: «...مرحوم سیدقطب می‌گوید به یکی از شهرهای امریکا رفتم و دیدم دم در یک کلیسا اطلاعیه‌ای نصب کرده‌اند: «امشب یک برنامه رقص و شادی و شام سبک و موسیقی اجرا می‌شود...» می‌نویسد: کنجکاو شدم در آن ساعت معین بروم ببینم چه خبر است. دیدم بله، یک سالن رقص در کنار سالن کلیساست؛ زوج‌های جوان می‌آیند و می‌رقصند؛ موسیقی‌های محرک و شهوانی هم پخش می‌شود... کشیش هم اواخر شب روی سن ظاهر شد و با رفتار خیلی آرام و ملایم رفت نور چراغ‌ها را تنظیم کرد! می‌گوید فردا رستم سراغ کشیش؛ گفتم شما کشیش هستی یا کاباره‌دار؟! اینجا کلیساست یا سالن رقص؟! کشیش گفت من به این وسیله می‌خواهم جوان‌ها را به کلیسا جذب کنم! این‌طوری می‌شود جوان‌ها را به کلیسا جذب کرد؟! جوان‌ها به کلیسا جذب نشدند، بلکه به سالن رقص متعلق به کلیسا جذب شدند! سالن رقص متعلق به کلیسا مگر امتیازی دارد؟!...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۹/۱۱).



۳,۳. رویکرد تجویزی

در این رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای، مسئولان و دست‌اندرکاران و روحانیون مساجد را در راستای حصول به مساجد ایده‌آل و مطلوب، مخاطب قرار می‌دهد. اهم محورهای موضوعی (بایدها و بایسته‌ها) در ذیل این رویکرد را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱,۳,۳. حفظ و رونق مساجد توسط مسئولان نظام

در نگرش آیت‌الله خامنه‌ای به تأسی از امام (ره)، مساجد سنگر انقلاب و جمهوری اسلامی هستند که باید حفظ شوند. ایشان در این زمینه بیان می‌کند:

«... مسجد مهم است. همچنان که امام فرمودند، واقعاً مسجد سنگر است و این سنگر را باید صاحب سنگر حفظ کند؛ دیگران هم به او جذب می‌شوند...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۸/۴) یا در قست دیگری از بیانات خود، بر این باور تأکید می‌کند: «... مساجد به عنوان پایگاه‌های معنویت و تزکیه و هدایت، روزه‌روز گرم‌تر و پررونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی در گوشه و کنار جامعه از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاه‌ها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۳/۱۰).

آیت‌الله خامنه‌ای مساجد را نهادهای متولی تبلیغ سنتی در فضای ارتباطات چهره‌به‌چهره می‌داند که نقشی بی‌بدیل در کشور ایفا می‌کند:

«... البته من اعتقاد دارم که تبلیغ سنتی ما - که مسجد و منبر و سخنرانی روبه‌روست - بدیل ندارد؛ این را باید حفظ کنیم. اینکه شما بنشینید بایک نفر روبه‌رو صحبت کنید؛ نگاه شما به او بیفتد، نگاه او به شما بیفتد و نفس گرم شما به او برسد، این چیز خیلی خوبی است؛ این را باید حفظ کنیم...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۲/۱۱). در جای دیگر اشاره می‌کند: «... روحانیت باید از همه این وسایل ارتباط جمعی استفاده کند؛ از اینترنت و تکنولوژی‌های جدید ارتباطاتی باید همه روحانیت برای دین استفاده کند؛ همچنانی که از رادیو و تلویزیون و بقیه چیزها استفاده می‌کند - در عین حال، مسجد، جلسه مذهبی، نشستن روبه‌روی مردم، دهان به دهان و نفس به نفس با مردم حرف زدن، یک نقش بی‌بدیل دارد و هیچ چیزی جای این را نمی‌گیرد و این هم مال شماست...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۱۷).

۲,۳,۳. لزوم محوریت مسجد در جامعه اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای، مساجد را محور و کانون جامعه اسلامی می‌داند و از مسئولان، به‌ویژه روحانیون و ائمه جماعات می‌خواهد تا این محوریت و مرکزیت، مورد ملاحظه قرار گیرد: «... در هر جا سامان زندگی است، مسجد، مرکز و کانون اصلی است. در بنای شهر و روستا،



در مدرسه و دانشگاه، در مراکز جمعیتی از بازارهای کسب و کار تا فرودگاه‌ها و جاده‌ها و پایانه‌های سفری و تا آسایشگاه‌ها و بیمارستان‌ها و بوستان‌ها و گردشگاه‌ها، در همه و همه باید مسجد را همچون قطب و محور بنا نهاد...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۱۹).

به نظر ایشان، محور و ملاک بودن مساجد در همه جوامع اسلامی باید لحاظ شود؛ به گونه‌ای که مدیریت امور جامعه اسلامی از مساجد صورت گیرد: «... لازم است با دخالت افراد دلسوز و متدین و همکاری و همفکری علما و روحانیون و سایر نخبگان و با محوریت مساجد جلوی هرگونه هرج و مرج و قتل و تجاوز و غارت اموال عمومی و خصوصی گرفته شود و فضای امن و محیط آرام برای کلیه شهروندان به وجود آید تا ملت عراق بتواند در سایه وحدت و یکپارچگی، توانایی و آگاهی خود را به نمایش بگذارد و تمدن اصیل اسلامی و فرهنگ ملی و جایگاه والای آن ملت قدرتمند و شجاع را باز یابد و موجبات رضای خداوند سبحان فراهم گردد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱/۲۴).

۳،۳،۳. حرکت به سمت مساجد چندمنظوره یا چند کارکردی

آیت‌الله خامنه‌ای مساجد را مرکزی چندمنظوره یا چند کارکردی می‌داند و خواستار حرکت مساجد به سمت کارکردهای متنوع عبادی، فرهنگی، علمی، آموزشی، سرگرمی است تا بدین وسیله بتوانند در جذب جوانان و نوجوانان به مساجد موفق عمل نمایند. ایشان در این زمینه بیان می‌کند: «... مساجد باید مدرّس تفسیر و حدیث و منبر معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و پرورش اخلاق باشد. زمزمه محبت متولیان و مدیران و امنای مساجد، باید دل‌های پاک جوانان را مجذوب و مشتاق کند. حضور جوانان و روحیه‌های بسیجی باید محیط مسجد را زنده و پرنشاط و آینده‌پو و لبریز از امید سازد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌ای برقرار گردد. چه نیکوست که دانش‌آموزان برجسته و ممتاز در هر محل، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت، تشویق شوند. مسجد باید رابطه خود را با جوانانی که ازدواج می‌کنند، با کسانی که به موفقیت‌های علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می‌یابند، با صاحب‌همتانی که کمک به دیگران را وجهه همت می‌سازند، با غم‌دیدگانی که غمگساری می‌جویند و حتی با نوزادانی که متولد می‌شوند، برقرار و مستحکم کند...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۰).

در جای دیگر در این باره اشاره می‌کند: «... علاوه بر آن، مسجد فقط برای نماز نیست... بنابراین مسجد، هم مدرسه است، هم دانشگاه، هم مرکز تفکر و تأمل، هم مرکز تصفیه روح، هم مرکز خلوص و مرکز اتصال بنده به خداست. ارتباط زمین و آسمان است. جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل می‌کند. انسان در مسجد، خود



را به خدا متصل می‌کند؛ بنابراین باید قدر مساجد را دانست. باید در مساجد حضور پیدا کرد...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹).

۴،۳،۳. مدیریت و اداره مطلوب مسجد ذیل ائمه جماعات

آیت‌الله خامنه‌ای برای حفظ وحدت و انسجام امت و صیانت از جایگاه رفیع مسجد و همچنین اهتمام در راستای رفع مشکلات و ساماندهی به وضعیت مساجد در ابعاد گوناگون، ضرورت تأسیس و راه‌اندازی مرکزی که در ارتباط با مساجد دارای کلامی نافذ بوده و بتواند نقش نظارتی خود را به نحوی شایسته ایفا نماید، در سال ۱۳۶۸ مطرح می‌نماید. بدین خاطر در این سال، اولین مرکز رسمی حاکمیتی با عنوان «مرکز رسیدگی به امور مساجد» در حوزه ساماندهی و بهسازی مساجد شکل می‌گیرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۷/۱۷).

ایشان در همین راستا - سطح خرد - تأکید ویژه‌ای بر مدیریت و اداره مطلوب مساجد ذیل امام جماعت مسجد دارد: «... مدیریت محتوایی و معنوی مسجد که بر دوش روحانی مسجد است، باید خردمندان و مسئولان و حتی عاشقانه باشد. حوزه‌های علمیه برای آماده‌سازی روحانیانی در این طراز، وظیفه‌ای ذاتی و طبیعی دارند. اگر مسجد، کیفیت شایسته خود را بیابد، هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه و مردم و مسئولان برداشته خواهد شد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۱۹). و در جای دیگر اشاره می‌کنند: «... مساجد و حسینیه‌ها و مجالس عزاداری را بایستی خوب اداره کرد. باید از سوی خود علما و مسئولان روحانی، نظمی برای این مراکز به وجود آید...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۵/۱۱).

در همین راستا، آیت‌الله خامنه‌ای با روحانیونی که سمت و شغل دولتی دارند و همزمان در کسوت پیشنهادی مسجد نیز هستند، مخالفت می‌ورزد؛ چرا که به نظر ایشان، بدین گونه، مسجد در حاشیه قرار می‌گیرد: «... من با روحانیونی که در یک اداره‌ای مشغول کار می‌شوند، در حالی که پیشنهاد فلان مسجد هم هستند، مخالفم... پیشنهاد مسجد، باید مسجد را خانه خود، جایگاه خود و اداره خود بدانند؛ وقتی وارد مسجد شد، «کالسمک فی الماء» باید باشد؛ احساس کند که اینجا، جای اوست و عجله‌ای برای بیرون رفتن از مسجد نداشته باشد؛ این درست است...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱۰/۲۳).

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، امامان جماعت مساجد باید مردمی باشند و به تعبیر دیگر، آنها باید مردم‌مدار باشند تا بتوانند مساجد خودشان را احیا نمایند: «... منش روحانی نباید فرماندهی باشد؛ هر چند تشریفات فرماندهی اصلاً مردمی محض است... همیشه گرم‌ترین نماز جماعت‌ها متعلق به پیشنهادی‌های مردمی است: با مردم گرم می‌گیرند؛ با مردم خوش اخلاقی می‌کنند؛ بی‌حوصلگی نشان نمی‌دهند؛ بدخلقی نشان نمی‌دهند، جواب مسئله‌شان را می‌دهند؛ یک وقت اگر کسی بیماری و مشکلی داشته باشد، اگر با پول نتوانند، با اخلاق آن مشکل را تسکین می‌دهند...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱۰/۲۳).



۵.۳.۳. حضور و مشارکت فعال مردم در مسجد

آیت‌الله خامنه‌ای در راستای اعتلا و ارتقای شأن و جایگاه مسجد در جمهوری اسلامی ایران، خواستار انس و حضور پرشور و پررنگ مردم، به‌ویژه جوانان و مسئولان در این نهادهای دینی می‌باشد:

«... سفارش اینجانب آن است که مسجد را نیز همچون دل‌های جوان، پاکیزه و پیراسته و لبریز از شور و انگیزه و نشاط کنید. مسجد نیز باید کانونی باشد که مشکلات نماز در آن بدرخشد و نور معرفت و محبت و انس و صفا از آن ساطع شود. امامان جماعت، هیئت‌های امنا، خادمان موظف و متبرّع، هر یک باید بخشی از این کار بزرگ و اثرگذار را بر دوش خود حس کنند...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۸/۱۲).

در بخشی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، تأکید ویژه‌ای بر حضور جوانان در مسجد شده است: «... شعائر اسلامی و مساجد و نمازهای جمعه و عزاداری‌ها، از جمله عواملی است که در پیروزی انقلاب و تداوم آن نقش تعیین‌کننده داشته است... سزاوار است که ملت عزیز ایران، نقش این شعائر را همواره به یاد داشته باشد. اینجانب همه مردم، به خصوص جوانان را به پر کردن مساجد و حضور در نمازهای جمعه و جماعت و گرم نگه‌داشتن مراسم عزاداری سالار شهیدان حسین بن علی -علیه السلام- توصیه می‌کنم...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۴/۲۳). یا ایشان بیان می‌کنند: «... سفارش دیگری که من می‌خواهم بکنم، این است که همه خانواده‌ها و همه مردم -مخصوصاً جوانان- به نماز و مسجد و عبادت و جلسات قرآن اهمیت بدهند. هر چه امروز این کشور از عظمت و عزت و قدرت به دست آورده است، در سایه قرآن و اسلام و نماز و عبادت و ذکر خداست. هم باید به درس و کار توجه شود و هم به تدین؛ که تدین پشتوانه همه اینهاست. با نماز و مسجد و عبادت و جلسات دینی و جلسات قرآن باید انس پیدا کنید...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۰/۱۳).

۶.۳.۳. عمران و آبادانی مسجد توسط اقشار مختلف مردم

آیت‌الله خامنه‌ای در راستای نیل مساجد به وضعیت مطلوب و حصول مساجد طراز جامعه اسلامی، خواستار اهتمام ویژه مسئولان امر (دولتمردان، روحانیون و ائمه جماعات) نسبت به عمران و آبادانی مساجد می‌باشد:

«هر چه خدمت به مساجد و عمران مساجد بکنید، معلوم است که -ان شاء الله- ثوابش پیش خدای متعال، چقدر زیاد است: «انما يعمر مساجد الله من امن بالله واليوم الآخر»...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۰/۱۹). یا در جای دیگر اشاره می‌کنند: «...عمران مساجد و پرداختن به آرایه‌های معنوی و ظاهری آن، وظیفه همگان است و هرکسی به اندازه توان و همت باید در آن سهیم گردد. مردم، شهرداری‌ها و دستگاه‌های دولتی، هر یک در آن باید سهمی ایفا



کنند و روحانی دانا و مسئولیت‌پذیر و پرهیزکار می‌تواند و می‌باید محور این منظومه تلاش مقدس باشد...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۰).

ایشان کمبود مساجد در سطح کشور را از جمله مسائل مهم حوزه مسجد برمی‌شمرد و در این زمینه از مسئولان می‌خواهد تا این امر را ارتقا بخشند:

«... هیچ‌یک از ما نباید و نمی‌توانیم خطری را که از کمبود مسجد یا ضعف و نارسایی مساجد، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد طراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه می‌کند، محروم سازیم...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۰). یا در بیانات دیگر ذکر شده است که: «... به مدیران آموزش و پرورش و علوم یادآوری می‌کنم که سهم مسجدسازی و مسجدپردازی باید در اعتبارات فعالیت فوق برنامه، در ردیف اول و بیش از سهم دیگر بخش‌های این سرفصل باشد...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۶/۱۵).

آیت‌الله خامنه‌ای درباره رفع مسئله مذکور، اولویت را ساخت مساجد با هزینه‌های مردمی می‌داند که خود مردم در ساخت و ساز مساجد مشارکت فعال داشته باشند؛ چرا که به زعم ایشان، سنت حسنه و صحیح عمران و آبادی مساجد در تشیع، مردمی است:

«... دیگر اینکه مساجد و حسینیه‌ها باید به پول مردم ساخته بشوند، این فراموش نشود. سنت صحیح رایج بین شیعه، که عبارت بوده است از اینکه مردم مسجد بسازند، حسینیه بسازند. این سنت، بسیار سنت بابرکتی است. جوری نباشد که اگر شما یک صندوقی (عمران مسجد) درست کردید یک‌جا، مردم بگویند خب، حالا که دیگر پول هست - الحمدلله - دولت دارد می‌دهد، ما دیگر چرا بدهیم؟ این نباید بشود...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۳/۲۸).

اما از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در نقاطی از کشور که مسجد وجود نداشته باشد و هیچ راه دیگری هم برای تأمین بودجه حاصل نشود، می‌توان برای ساخت مسجد از سهم امام استفاده نمود اما در غیر این صورت، اولویت مصرف وجوهات برای اداره مسجد و تأمین هزینه‌های روحانی مسجد می‌باشد:

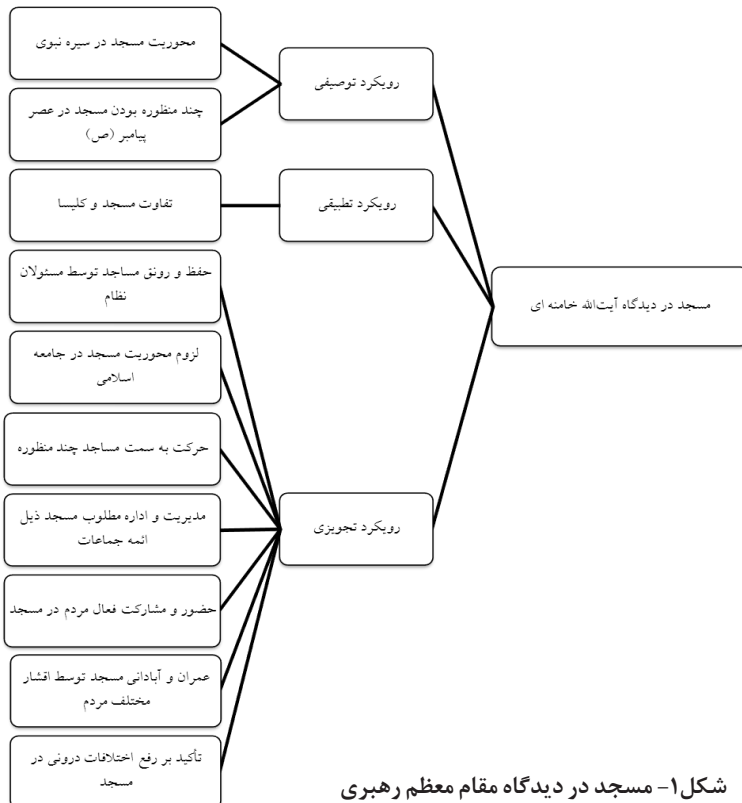
«اگر چنانچه مسجد، در یک نقطه‌ای از نقاط نباشد و هیچ راه دیگری هم وجود نداشته باشد، آنجا را استثنائاً ما اجازه می‌دهیم از سهم امام مسجد بسازند؛ اما آنجایی که مسجد هست، می‌خواهند حالا توسعه بدهند، یکی دیگر می‌خواهند بسازند یا احتمال اینکه از طرق تبرع و زکوات بتوانند بسازند هست، اینجا را بنده شبهه می‌کنم. برای خاطر اینکه من از مسجد واجب‌تر، عالم مسجد را می‌دانم. ما الان وجوهاتمان برای اداره عالم مسجد کم می‌آید، شما الان ملاحظه کنید وضع طلبه‌ها را ببینید چه جوری است؟ شما خودتان بروید قم یک سری بزنید، ببینید چه جوری است، با چقدر زندگی می‌کنند. توی این شرایط این را که پول سهم امام صرف ساختن مسجد شود، واقعاً من جرئت نمی‌کنم...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۹/۱۶).



۷,۳,۳. تأکید بر رفع اختلافات درونی در مسجد

آیت‌الله خامنه‌ای تأکید ویژه‌ای بر رفع اختلافات درونی در مسجد برای نیل به مساجد مطلوب دارد؛ بدین گونه که نهادهای فعال در مسجد را به اتحاد و یکپارچگی دعوت نموده تا باعث رونق و شکوفایی مساجد گردند. ایشان در این زمینه بیان می‌کنند: «... خودسازی باید بکنید. مساجد را رها نکنید. نیروی مقاومت بسیج، بهترین جایی که دارد، همین مساجد است. منتها مساجد را مسجد نگه دارید. با امام جماعت مسجد، با عبادت‌کنندگان مسجد و با مؤمنینی که در مسجدند، برادرانه صمیمی باشید - که بحمدالله هستید - و آن را حفظ کنید و بیشتر کنید...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۸/۲۷).

در جای دیگر خطاب به علما و روحانیون اشاره می‌کند: «... سفارش می‌کنم که کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد را فراموش نکنید؛ البته با همکاری بسیج. بد است که بین روحانی مسجد و بسیج مسجد، اختلاف به وجود بیاید. نه، با همکاری بسیج، این کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد را مؤثر کنید، برایش کار کنید. بنشینید فکر کنید، مطالعه کنید و سخنی که متناسب با نیاز آن جوانی است که آنجا حضور پیدا می‌کند، فراهم کنید...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۱۹).



شکل ۱- مسجد در دیدگاه مقام معظم رهبری



۴. نتیجه‌گیری

بر اساس دیدگاه‌های نظری در بخش قبل (بخش اول مبانی نظری پژوهش) دیدگاه مقام معظم رهبری را می‌توان بر اساس دیدگاه‌های تئوریک دخالت حکومت در حوزه فرهنگ - در راستای نیل به سمت و سوی مساجد ایده‌آل و مطلوب در جمهوری اسلامی ایران - بدین گونه تحلیل نمود:

در باره دخالت حکومت در حوزه مسجد، مبتنی بر مبانی نظری پژوهش می‌توان این گونه عنوان نمود که دیدگاه نظری دخالت حکومت پیرامون مسجد متأخذ از تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، مشارکت حداکثری مردم در این حوزه است. در این راستا می‌توان این گونه بیان کرد که حاکم اسلامی بر مبنای دیدگاه‌های مقام معظم رهبری با اتکا به اختیاراتی که دارد می‌تواند به طور مستقیم یا با اعطای وکالت یا نمایندگی به افراد در چارچوب موازین شرعی در اداره و مدیریت مساجد مداخله نماید و به تعبیر دیگر، مسجد از شئون ولی فقیه است اما رهبران جمهوری اسلامی ناظر به مصلحت مسلمانان در جامعه‌ای اسلامی بر این باورند که مساجد مردمی باشند و نقش مردم در مساجد حداکثری لحاظ شود.

به عبارت دیگر، می‌توان رویکرد و سطح مداخله حکومت در مسجد متأخذ از تحلیل بیانات مقام معظم رهبری را این گونه عنوان نمود:

۱. **رویکرد حکومت در حوزه مسجد:** در این زمینه، می‌توان گفت رویکردهای حکومت در حوزه مسجد از منظر مقام معظم رهبری درباره مداخله در مسجد، دو رویکرد حمایتی و اقتضایی می‌باشند. بر اساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مسئولان نظام در قبال حفظ و رونق مساجد، حضور و مشارکت فعال در مساجد، عمران و آبادانی مساجد، مسئول هستند و باید به صورت غیرمستقیم و هدفمند از سیاست‌های تشویقی و انگیزشی در جهت حمایت و مساعدت از مساجد اقدام نمایند. همچنین بر اساس رویکرد اقتضایی - مبتنی بر دیدگاه ایشان - شرایط نظام اسلامی و به تعبیر دیگر مقتضیات زمانی و مکانی در ورود و عدم ورود حکومت در حوزه مسجد حائز اهمیت است. در این زمینه باید اشاره کرد که برای دخالت نظام اسلامی در امور مساجد نباید فقط به مشروعیت این دخالت استناد کرد، بلکه باید با ارزیابی‌های صحیح و لحاظ نمودن مصالح جامعه از نتایج مثبت کار مطمئن بود.

۲. **سطح دخالت حکومت در حوزه مسجد:** به نظر می‌رسد که سطح دخالت حکومت در مسجد متأخذ از بیانات مقام معظم رهبری شامل دو سطح سیاستگذاری و سطح بسترسازی، پشتیبانی و برنامه‌ریزی می‌باشد. بر این اساس سیاستگذاری و خطوط کلی مساجد باید ذیل ولی فقیه صورت پذیرد. آیت‌الله خامنه‌ای در این راستا، برای حفظ وحدت و انسجام امت و صیانت از جایگاه رفیع مسجد و همچنین اهتمام در جهت رفع مشکلات و



ساماندهی به وضعیت مساجد در ابعاد گوناگون، ضرورت تأسیس و راه‌اندازی «مرکز رسیدگی همچنین بر اساس دیدگاه‌های رهبران جمهوری اسلامی ایران حکومت در سطح بسترسازی، پشتیبانی و برنامه‌ریزی منابع و امکانات لازم خود را در راستای حمایت و اعتلای مساجد از طرف دیگر، بر اساس دیدگاه ایشان، اداره و برنامه‌ریزی مساجد در سطح اجرایی و عملیاتی باید به صورت کاملاً غیر متمرکز و با مشارکت کامل مردمی انجام شود. به عبارت دیگر، این دیدگاه قائل به مشارکت عموم مردم و عموم دستگاه‌های کشور در مدیریت مساجد است. در این نگاه، مردمی بودن مساجد و مشارکت دولت در توسعه مساجد کشور نباید در تزاخم و تعارض یکدیگر قرار گیرند، بلکه دولت باید چنان در توسعه مساجد کشور مشارکت کند که مشارکت وی، باعث افزایش مشارکت مردم شود.

منابع

الف) مقالات

۱. ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۵)؛ سیاستگذاری دانش و روش، فصلنامه سیاست داخلی، شماره ۱
۲. وحید، مجید (۱۳۸۰)؛ در آمدی بر سیاستگذاری عمومی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۲، تابستان
۳. همایون، محمدهادی و فروزان، حامد (۱۳۸۸)؛ تبیین رابطه مطلوب حکومت و فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه دین و ارتباطات، شماره ۳۵-۳۶ (پاییز و زمستان)

ب) کتاب

۴. احمدی گرجی، حسینعلی (۱۳۸۳)؛ تعیین چگونگی بررسی و آسیب‌شناسی دستگاه‌های فرهنگی (طرح پژوهشی)، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
۵. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)؛ مقدمه‌ای بر روش سیاستگذاری فرهنگی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان
۶. اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۱)؛ تهران، انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی
۷. پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۹)؛ مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی، قم، فجر ولایت
۸. حسینی، سید احمد (۱۳۸۴)؛ طرح ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فرهنگی، تهران، کمیسیون فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی
۹. صالحی امیری، سیدرضا و عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷)؛ مبانی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک
۱۰. صدیق سروستانی، رحمت‌الله و زائری، قاسم (۱۳۸۸)؛ چالش‌های برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی
۱۱. ضرابی، عبدالرضا (۱۳۸۴)؛ نقش و عملکرد مسجد در تربیت، در کتاب کارکرد مسجد



- به کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد، تهران، نشر رسانه
۱۲. غلام‌پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۶)؛ جایگاه دولت در عرصه فرهنگ، (مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۱) (مقالات بخش مفهوم‌شناسی و ابعاد مهندسی فرهنگی). تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۳. محمدی، مجید (۱۳۷۷)؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی و اقتصاد فرهنگ در ایران امروز، تهران، قطره
۱۴. مختاریان پور، مجید (۱۳۹۱)؛ طراحی مدل اجرای سیاست فرهنگی مبتنی بر برنامه‌های توسعه کشور، رساله دکتری مدیریت، دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی
۱۵. مولر، پیر (۱۳۷۸)؛ سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، دادگستر، ۱۳۸۶
۱۶. الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۸)؛ فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
۱۷. وحید، مجید (۱۳۸۲)؛ سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز

A) Book

18. Bailey, Kenneth D.(1994) *Typologies and Taxonomies: An Introduction to Classification Techniques* , Sage Publications
19. Mowlana, Hamid. (1996) *Global Communication in Transition: The End of Diversity*, Thousand Oaks: Sage Publication

B) Website

20. www.khamenei.ir